



فخر

فانوسی در تاریکی
ویژه شهادت امام باقر (ع)

۳۴



سیره‌ی خاندان اهل بیعت (علیهم‌السلام) / ۱۹

مجتمع فرهنگی پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه، سنگ بنای متفاوتی را گذاشته است و با نگاهی عمیق‌تر به مقوله‌ی سبک‌زندگی اسلامی، فانوسی را برای شما روشن کرده است. خواندن این کتابچه تنها ۱۴ دقیقه از شما زمان می‌گیرد.

از قدیم در تمام افسانه‌ها انسان‌ها به دنبال اکسیر جوانی و عمر طولانی بوده‌اند. ماهیت انسان‌ها به شکلی است که بدون شک تمایل به جاودانگی و عمر بی‌نهایت در همه وجود دارد. خداوند که برنامه‌ی زندگی انسان‌ها را برایشان از پیش تعیین کرده با نظام و برنامه‌ریزی دقیقش این غریزه و تمایل را در انسان‌ها قرارداده . . .

[از متن کتابچه]



سازمان اوقاف و امور خیریه
مدیریت فرهنگی و اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فانوس ۳۴

فانوسی در تاریکی | ویژه شهادت امام باقر (ع)

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه
نویسنده: فاطمه سلیمانی
تصویرگر: حمیده سادات غضنفری
صفحه آرا: فاطمه سعیدی
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

اهدایی معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

غیر قابل فروش



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و
امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی
مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه
تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶۹



فانوسی در تاریکی | ویژه شهادت امام باقر (ع)

درباره‌ی فانوس

مجتمع فرهنگی پژوهشی سازمان اوقاف و امور خیریه، سنگ بنای متفاوتی را گذاشته است و با نگاهی عمیق‌تر به مقوله‌ی «سبک‌زندگی اسلامی» فانوسی را روشن کرده است.

کتاب‌چه‌های «فانوس» هرچند اندازه‌ی کوچکی دارند و صفحاتشان کم است، اما سرچشمه‌ی نورشان منبع لایزالی است که همه‌ی جهان را در تمامی زمان‌ها در برمی‌گیرد.

«سبک‌زندگی اسلامی» محور موضوعات فانوس است که از چهار جهت پنجره‌ای رو به آن گشوده شده: «سیره‌ی خاندان اهل‌بیت (علیهم‌السلام)» [کتاب‌چه‌های لاجو ردی]، «زندگی‌دینی» [کتاب‌چه‌های آبی]، «مناسبت‌های مذهبی» [کتاب‌چه‌های زرد] و «رویدادهای سیاسی و اجتماعی» [کتاب‌چه‌های بنفش].

ما فانوس را برای شما روشن کرده‌ایم.
خواندن این کتاب‌چه تنها ۱۴ دقیقه طول می‌کشد.



یک

فانوسی در تاریکی



خودت را در جاده‌ی پر پیچ و خم و گاه‌ها تاریک و گمراه کننده تصور می‌کنی که بدون روشنایی و فانوس جلو رفتن در آن غیر ممکن است.

دلت می‌خواهد مسیر زندگی‌ات را بهتر و دقیق‌تر از قبل طی کنی. می‌دانی هر کسی در هر زمینه‌ای که بخواهد تخصص و مهارتی کسب کند یا راه درست را در آن مورد پیش ببرد باید به متخصص و صاحب نام و آوازه در آن رشته رجوع کند. نظریات و کارهایش را زیر نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند برای موفقیت در آن زمینه مثل او رفتار کند و او را الگو قرار دهد. حالا در مقیاس بزرگ‌تر اگر در نظر بگیری برای رسیدن به برنامه‌ی درست زندگی و هدف‌گذاری صحیح مطابق چیزی که خدا از انسان‌ها و برایشان خواسته است باید به نمایندگان خدا و کسانی که او به عنوان راهنما برای هدایت بشر در نظر گرفته رجوع کرد. برنامه‌ی صحیح برای زندگی و شیوه‌ی درست واکنش به موضوعات مختلف و مسایلی که در زندگی برآیمان پیش می‌آید و شناخت راه درست برای عاقبت به خیری انسان آن

قدر بزرگ و گاهی پیچیده است که نیاز است حتما به کسی که در این زمینه علم و آگاهی کامل دارد رجوع کنی. سیره‌ی عملی و رفتاری و سخنان امامان به عنوان جانشین پیامبر و نماینده‌ی خدا به عنوان راهنمای انسان‌ها مثل فانوس روشنی است که می‌تواند در مسیرهای پر پیچ و خم و تاریک عصر حاضر راه درست را نشان بدهد. برای همین لازم است تا آنجا که می‌توانیم به احادیث و روایات معتبر و مستند از امامان مان رجوع کنیم. نسبت به آن‌ها دقیق باشیم. روی تک‌تکشان فکر کنیم و تلاش کنیم که در زندگی مان آن‌ها را استفاده کرده و عملی کنیم. تا به همان چیزی که خدا برایمان خواسته نزدیک و نزدیک‌تر شویم.

حرف تازه‌ای می‌شنوی. کسی چیزی می‌گوید که اگر بخواهی بی‌غرض به خود حرف و محتوایش توجه کنی عیب و ایرادی از آن نمی‌توانی بگیری. از آن حرف‌های خوب که یا فراموش شده بوده یا اینکه نسبت به آن بی‌توجه بوده‌ای. با خودت فکر می‌کنی که اگر بخواهی کمی در رفتارت یا در زندگی‌ات آن را اجرا کنی حسابی به دردت می‌خورد.





اما دست خودت نیست به دلت که رجوع می‌کنی می‌بینی گاهی بیشتر از آن که خود حرف برایت مهم باشد به گوینده‌اش نگاه می‌کنی. اگر گوینده برایت مورد قبول باشد با دل و جان حرف‌هایش را می‌شنوی. اصلاً شاید بی‌هیچ چون و چرایی و بدون فکر در مورد درست‌اش آن را بپذیری و تصمیم به اجرایش بگیری. اما اگر گوینده برایت فرد قابل قبولی نباشد یا نتوانی با او ارتباط لازم را برقرار کنی به سختی سخنش را می‌شنوی چه رسد به اینکه بخواهی در موردش فکر کنی. یا شاید اصلاً ذهنیت خوب و دید مثبتی به آن شخص نداشته باشی و وقتی حرف خوبی می‌زند تنها چیزی که به ذهنت برسد و ناراحت کند این باشد که اصلاً خودش چقدر به آن عمل می‌کند؟! همین توجه بیشتر به گوینده تا خود حرفی که گفته می‌شود باعث شده که خیلی وقت‌ها گوش‌هایمان را روی خیلی حرف‌ها که واقعاً درست هستند ببندیم. گاهی گوش‌هایمان مثل دریچه‌ای عمل می‌کند که هر وقت دلش بخواهد می‌شنود و هر وقت به خود حرف یا گوینده‌اش مشتاق نباشد کاملاً بسته می‌شود. اگر انعطاف‌پذیری و حق‌شنوی را در وجودمان افزایش دهیم روحمان



خودش حرف‌های درست را تشخیص داده و درک می‌کند حالا گوینده‌اش هرکسی که می‌خواهد باشد. در حقیقت ماهیت حرف درست و خوب مثل پرتوهای نور خورشید است اصل و خاصیتش تغییر نمی‌کند چه مستقیم زیر تشعشعاتش بایستی چه از یک دریچه‌ی تنگ به تو بتابد. شاید میزانش کم و زیاد شود اما خاصیت و خلوصش تغییری نمی‌کند. برای روحمان بهتر است که دریچه‌ی گوش‌هایمان را به روی تمام حرف‌های خوب باز نگه داریم تا بیشتر و بیشتر روشنایی به وجودمان بتابد.

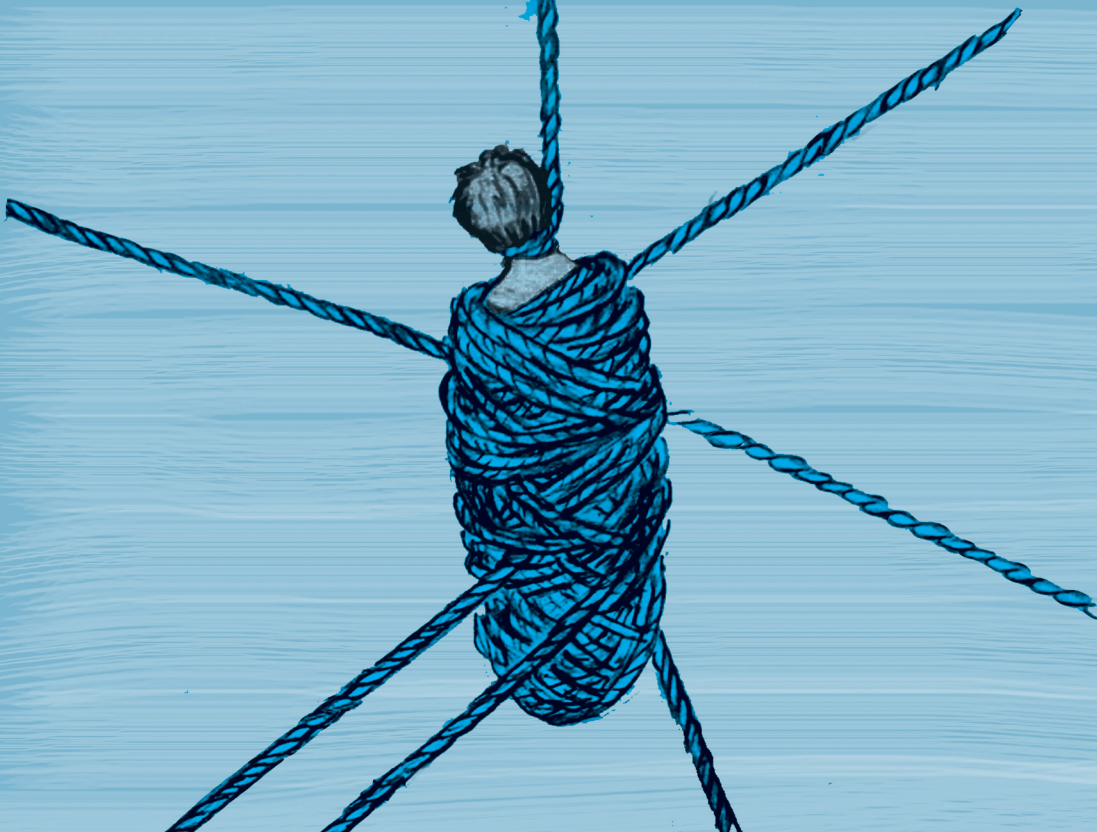


.....
امام باقر^(ع) می فرمایند: سخن نیک را از هر کسی، هر چند
خود به آن عمل نکند، فرا گیرید.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۰.

دو

پيله‌هاى سقوط





به چشم خودت بارها و بارها دیده‌ای که آرامش روح و روان و شادی و لذت بردن از زندگی، آن قدرها به ثروت و قدرت ارتباطی ندارد.

جای تعجب ندارد اگر چشمان یک کارگر ساده ساکن در دورترین روستاهای کشور با کمترین امکانات، از یک برج نشین ثروت‌مند که تمام عمرش را به حساب و کتاب و ثروت اندوزی و غرق شدن در امکانات دنیا گذرانده، برق بیشتری داشته باشد و آرامش نگاهش بیشتر تو را جذب کند. اگر زندگی شادترین و موفق‌ترین انسان‌ها را زیر ذره‌بین ببری حالا اهل هر جایی که باشند، می‌بینی آرامش روح و روانشان وابسته به شیوه‌ی زندگی آنهاست. اگر بخواهی روح را در ثروت و قدرت و امکانات و دارایی‌های دنیا غرق کنی و خودت را تبدیل به ماشینی کنی که تمام فکر و ذکرش به دست آوردن بیشتر باشد، هرگز از چیزهای خوبی که داری یا تاکنون به دست آورده‌ای احساس رضایت مندی پیدا نمی‌کنی. مثل کسی که ذره ذره به خیال رهایی و پرواز خودش را ذره ذره در باتلاقی سخت غرق



می‌کند و با هر حرکت اضافه، خارج که نشده هیچ بیشتر و بیشتر فرو می‌رود. انسانی که به خیال خام به دست آوردن آرامش و شادی همه چیزهای با ارزش درونش را نابود می‌کند و هر لحظه بیشتر خودش را در حرص و طمع غرق می‌کند، یک روز به خودش می‌آید که تقریباً توانی برایش نمانده اما هنوز هم به آنچه دنبالش بوده نرسیده است.

خستگی یک عمر تلاش برای بیشتر و بیشتر و نهایتاً حس نرسیدن و احساس تباه شدن عمر چیزی جز اندوه و غصه را به او اضافه نمی‌کند. کرم‌های ابریشم ذره ذره به دور خود پیله می‌پیچند، تارهای دورشان بیشتر و بیشتر می‌شود، کرم ابریشم به خیال پروانه شدن دور خوش پیله می‌پیچد و مدت‌ها خودش را در میان تارها حبس می‌کند تا به حس پرواز برسد، تا رشد کند، بزرگ شود، بیشتر شود. حالا تصور کن پروانه‌ای بخواهد به خیال اشتباهی باز پیله چینی کند! انسان حریص مثال پروانه‌ایست که مسیرش را اشتباه رفته و به خیال رسیدن به پرواز نه تنها بال‌هایش را نمی‌بیند بلکه ذره ذره دورشان پیله می‌پیچد و خودش را در زندانی که می‌سازد حبس می‌کند. و هرچه حرصش به دنیا بیشتر می‌شود



پيله‌ها بزرگتر و ضخيم‌تر می‌شوند و در آخر در زندانی که با دست‌های خودش ساخته از بین می‌رود.

.....
امام باقر(ع) می‌فرماید: شخص حریص به دنیا مانند پروانه‌ایست که هر چه بیشتر ابریشم به دور خود می‌تند، راه بیرون شدنش را دورتر و مشکل‌تر می‌کند، تا اینکه از غم و اندوه بمیرد.^۱

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۶.

سه

ترازویی برای روز حساب



می‌خواهی میزان چیزی را بسنجی مثلا ارزش و بهای مقداری طلا را. به یک مقیاس مشخص و دقیق احتیاج داری تا میزان طلا را درست و حساب شده به تو بگوید تا بر اساس گرم و وزن آن بتوانی طلا را قیمت‌گذاری کنی.

آن را درون ظرف مشخص یا روی ترازو با مقیاسی خاص قرار می‌دهی و بر اساس میزان یا گنجایش ظرف به وزن طلا می‌رسی و می‌توانی قیمتی برایش تعیین کنی. حالا تصور کن قرار است که اعمال و رفتارت به عنوان اصلی ترین و ارزش مندترین توشه‌ی آخرتت بررسی و محاسبه و ارزش گذاری شود. مقیاس و ترازوی سنجش اعمال انسان عقل است و هر کس به میزان قدرت درک و توانی که ذهنش در مورد مسایل دارد اعمالش بررسی و محاسبه می‌شود. یعنی از هرکس به اندازه‌ی فهم و توان ذهنش خواسته می‌شود و تمام اعمالش با ترازویی سنجیده می‌شود که وزنه‌های آن عقل و قدرت تفکر است.

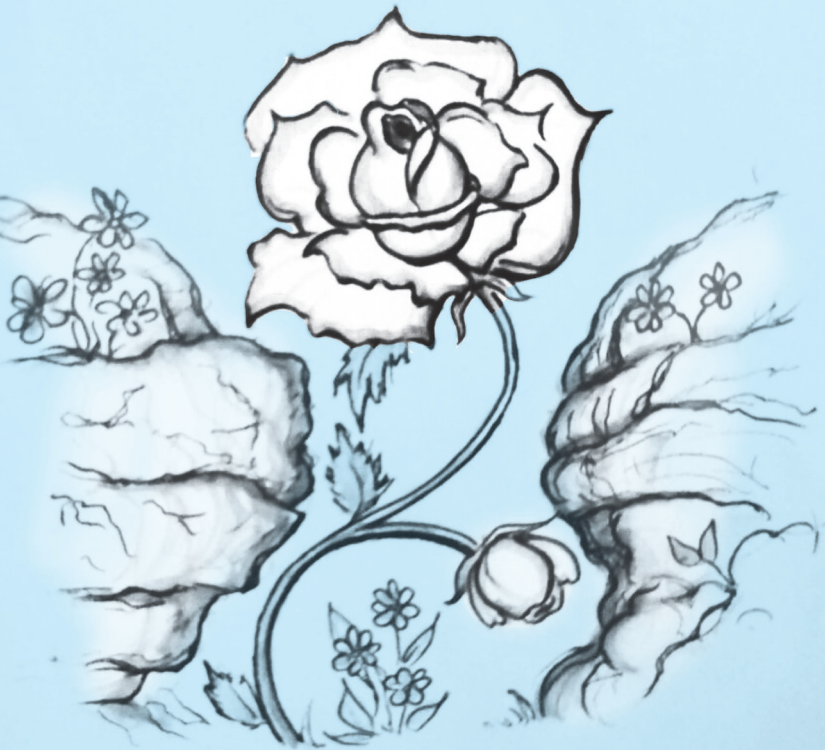


.....
امام باقر(ع) می‌فرمایند: خدا در روز قیامت نسبت به حساب
بندگان به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است باریک
بینی می‌کند^۱. (یعنی حساب می‌کشد.)

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۷.

چهار

راز طول عمر





از قدیم در تمام افسانه‌ها انسان‌ها به دنبال اکسیر جوانی و عمر طولانی بوده‌اند. ماهیت انسان‌ها به شکلی است که بدون شک تمایل به جاودانگی و عمر بی‌نهایت در همه وجود دارد.

خداوند که برنامه‌ی زندگی انسان‌ها را برایشان از پیش تعیین کرده با نظام و برنامه‌ریزی دقیقش این گزینه و تمایل را در انسان‌ها قرارداده و نسبت به آن بی‌تفاوت نبوده و برای رفع آن هم راهکار مناسب را معرفی و برنامه معین کرده است. اگر چه این جهان و زمان کوتاه حیات در آن مثل پلی برای رسیدن به حیات جاودانه در دنیای دیگر است اما نمایندگان خدا یعنی پیامبران و امامان در برنامه‌ای که برای زندگی انسان‌ها دارند نکاتی را یادآور شده‌اند تا همین مدت زمان کوتاه زندگی در این دنیا هم با برکت‌تر و طولانی‌تر شود. به طور کلی بدن انسان‌ها به گونه‌ای طراحی شده که قابلیت عمر و سلامتی جسمی تا چندین برابر عمر یک انسان در عصر حاضر را دارد، اما به علت شیوه‌های غلط زندگی و



رفتاری، ما انسان‌ها به سمتی حرکت می‌کنیم که عمرمان کوتاه‌تر می‌شود. نمونه‌ی بارز آن مرگ‌های ناگهانی، بیماری‌های منجر به مرگ در سنین کم و عمرهای کوتاه انسان عصر حاضر است که کاملاً به شیوه‌های رفتاری و زندگی انسان‌ها مرتبط است. اگر به روایات و احادیثی که از امامان مان وجود دارد رجوع کنیم خیلی صریح و روشن به مواردی رفتاری اخلاقی و حتی برخی مواقع تغذیه‌ای اشاره شده است که می‌تواند به طول عمر انسان‌ها و برکت بیشتر آنان کمک کند. کم نیستند کسانی که با رعایت نکات ساده اما موثر در مورد طول عمر و سلامت زندگی به حیات پر برکت و طولانی دست پیدا کرده‌اند. یکی از این موارد که بسیار به آن سفارش و تاکید شده خوش رفتاری با خویشان و خانواده است. کسی که با خانواده‌اش برخورد خوبی داشته باشد و خوش رفتاری کند ارتباط نزدیک‌تر و قوی‌تری با آنان دارد و علاوه بر اینکه یکی از اصلی‌ترین موارد سفارش شده در اسلام را انجام داده خیر و برکت در زندگی‌اش بیشتر می‌شود و بسیاری از بلاها از او دفع می‌شوند. از بعد روحی و روانی هم که بخواهیم به این قضیه نگاه کنیم ثابت شده خوش رفتاری و



محبت کردن می‌تواند درمان خیلی از ناراحتی‌های روحی و استرس و نگرانی‌ها باشد که می‌تواند بر سلامت جسم و روحیه‌ی انسان و در نهایت طول عمرش اثر بگذارد.

.....
امام باقر(ع) می‌فرمایند: هر کس با خانواده اش
خوش رفتار باشد، بر عمرش افزوده می‌شود.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵.

پنج

زنگ امتحان



قصه‌ی زندگی ایوب پیامبر را شنیده‌ای. بلاها و رنج‌های زندگی‌اش و ماجرای حیرت‌آور صبرش بر امتحانات سخت خدا. خواننده‌ای که ایوب پیامبر از برگزیدگان خدا بوده و به همین علت خدا از او امتحان سخت‌تری گرفته و به همان میزان هم به او اجر و پاداش داده است. یک جورهایی مثل معلمی که از دانش‌آموز توان‌مندترش توقع بیشتری دارد. به او بیشتر سخت می‌گیرد و نهایتاً به همان میزان هم چیزی که آن شخص به دست می‌آورد بیشتر است.

دلیل خیلی از اتفاقات را نمی‌دانی گاهی شرایط زندگی‌ات را با دیگران مقایسه می‌کنی. زمان‌هایی هست که از خودت می‌پرسی چرا انقدر مشکلاتت زیاد است. گاهی دلت می‌گیرد. اتفاقاتی در زندگی‌ات افتاده یا می‌افتد که تو در مورد آن‌ها کاملاً بی‌تقصیر بوده‌ای. یا باید اسمش را بد شانس‌ی بگذاری یا مصلحت و خواست خدا. کمی که به خودت رجوع کنی دلت به دومی راضی‌تر است. همه‌ی دوران تحصیل را که مرور کنی



از ابتدا تا انتها امتحان و آزمون جزء جدا نشدنی یادگرفتنی‌هایت بوده است. هر وقت هدف مشخصی داشتی و تصمیم به چیزی گرفتی امتحان همیشه همراهش بوده و به عنوان معیار روشنی از عملکردت در نظر گرفته می‌شده است. حالا حساب کن جهان به این بزرگی با هدف‌هایی که خداوند برای تک‌تک انسان‌ها در نظر گرفته بدون آزمون و امتحان مگر می‌شود؟ حالا که هدف از آفرینش‌مان کامل شدن و ادامه‌ی زندگی در جهان دیگر است. پس لازم است قبل از رفتن و محاسبه‌ی اعمال‌مان اینجا حسابی مورد ارزیابی قرار بگیریم. با این حساب امتحان شدن در این دنیا برای تک‌تک آدم‌ها امری قطعی خواهد بود. اینجا تنها کلاسی است که از همه بدون استثناء امتحان گرفته می‌شود. از هر نفر به اندازه‌ی توانایی‌اش خواسته می‌شود و آزمون هر کسی با دیگری متفاوت است. و خداوند بنده نزدیک‌تر و مورد توجه‌اش را با بلا و سختی آزمون می‌کند. هر کسی تحمل بلا و سختی را ندارد اما کسی که به قدرت خدا و جهان پس از مرگ اعتقاد قوی داشته باشد، مشکلات برایش آسان‌تر می‌شود. به همین خاطر خداوند برای زنده نگه داشتن یاد



آخرت و جهان دیگر در قلب انسان‌های خالص می‌خواهد دل‌بستگی و وابستگی آنان به دنیا را کمتر کند و بر اساس تحمل و ایمانشان به آن‌ها اجر و مزد بدهد. گاهی رنج‌هایی که برای آدم‌ها بی‌دلیل اتفاق می‌افتد شاید دلیل موجه و بزرگی داشته باشد که درک آن سخت است.

.....
امام باقر^(ع) می‌فرمایند: خداوند بنده مؤمنش را با بلا مورد لطف قرار می‌دهد، چنانکه سفر کرده‌ای برای خانواده خود هدیه می‌فرستد، و او را از دنیا پرهیز می‌دهد، چنانکه طبیب مریض را پرهیز می‌دهد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۰.